

مطالعه معناشناختی دنیا در قرآن کریم



دکتر روح الله نصیری^۱

چکیده:

در این پژوهش کوشیده‌ایم تا با نگاهی معناشناختی، حوزه معنایی دنیا را در قرآن، مورد مطالعه قرار دهیم. در این باره، پس از نگاهی به موقعیت این واژه در کتب لغت، این مفهوم را در حوزه‌های معنایی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم و با نگاهی به مفهوم دنیای نکوهیده و دنیای ستوده در قرآن کریم، به قلمرو معنایی دنیا پرداخته و آن را تجزیه و تحلیل نموده‌ایم.

کلمات کلیدی: حوزه معنایی دنیا، اوصاف دنیا، دنیای نکوهیده، دنیای ستوده، ارتباط انسان با دنیا.

۱- هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی میبد) و دکتری زبان و ادبیات عرب
نشانی الکترونیکی: r.nasiri@modares.ac.ir
* تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۲/۱
* تاریخ پذیرش مقاله: ۸۸/۲/۱۵

واژه‌شناسی

واژه دنیا، ۱۵ مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است (عبد الباقی، ذیل واژه دنیا) و واژه شناسان آن را عموماً از ریشه‌ی «دنو» می‌دانند. در واژه‌شناسی این لفظ به معانی چندی بر می‌خوریم از جمله: نزدیکی (احمد بن زکریا، ۳۰۳/۲)؛ نزدیکی به زمان حال (طوسی، ۴۴۷/۴)؛ نزدیکی به ساکنان زمین (ابن اثیر جزری، ۱۳۷/۲)؛ نزدیکی به امور جسمانی و لذات، نزدیکی با حکم و علم (راغب اصفهانی، ۱۷۲)؛ جهانی که در آن هستیم، عالم مادی، این جهان، عالم حاضر، مقابل آخرت، کره‌ی زمین (معین، ۱۵۶۶/۲).

اما برخی دیگر دنیا را از ریشه‌ی «دناءت» گرفته‌اند و معانی خاصی ذکر کرده‌اند از جمله: پست‌تر (ابن فارس، ۳۰۳/۲)؛ در مقابل بهتر (راغب اصفهانی، ۱۷۲)؛ چیزی که انسان را از خدا باز می‌دارد (معین، ۱۵۶۶/۲).

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان به معنایی جامع از واژه دنیا دست یافت و آن را به، امری نزدیک و ملموس که سازنده‌ی آخرتی سعادت‌مند است، معنا نمود. چنان که خداوند در مورد شخصیت حضرت ابراهیم (ع) می‌فرماید:

«و آتینہ اجرہ فی الدنیا و اِنہ فی الآخرہ لمن الصالحین» (عنکبوت/ ۲۷)

«و در دنیا پاداشش را به او بخشیدیم و قطعاً او در آخرت {نیز} از شایستگان خواهد بود.» و همچنین در دعای مومنان حقیقی در مناسک حج، آمده است:

«ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الآخرہ حسنه و قنا عذاب النار» (بقره/ ۲۰۱)

«پروردگارا در این دنیا به ما نیکی و در آخرت {نیز} نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش دور نگه دار.»

حوزه معنایی دنیا

با توجه به ذهن انسانها و نگرش آن‌ها به دنیا، دنیا دارای سه حوزه معنایی متفاوت می‌باشد: برای انسان‌های متدبر و خردمند آیه‌ای است تا به نظم موجود در دنیا ببینند و پی به ناظم» ببرند. برای ماتریالیست‌ها و مادی‌گراها هدف و غایت می‌باشد. برای مومنان، ابزار و وسیله‌ای است برای رسیدن به سعادت اخروی. برای تبیین حوزه معانی دنیا، توضیحات را با استناد به آیات قرآنی و روایات بیان می‌کنیم.

الف) آیات خداوند

«آیه» در لغت به معنای نشانه و علامت است که انسان را به چیزی هدایت می‌کند (راغب اصفهانی، ۳۳)، چنان که خورشید، ماه، ستارگان، انواع جانداران، گیاهان، کوه‌ها، دریاها



و... هر یک آیه و نشانه‌ای بر حقانیت ذات پاک خداوند است که این‌ها همه از مظاهر و پدیده‌های دنیاست و آیه و نشانه ای بارز و محسوس برای شناخت خدا می‌باشد. به تعبیر فیض کاشانی: «خداوند، آسمان و زمین و کائنات را با نظم خاصی آفرید تا بشر برای ادامه حیات خویش و برای رسیدن به کمال، زندگی خود را بر اساس آن تنظیم نماید» (فیض کاشانی، ۶۳۳/۲). لذا با تامل و تدبر در پدیده‌های دنیا، مشخص می‌شود که دنیا یکی از آیه‌های بارز شناخت خداوند می‌باشد.

دنیا در این معنا به ذاتیات که همان موجودات عالم طبیعت است، ارتباط دارد و به تعبیر قرآن کریم، حق است و نظامی راستین دارد:

«و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما باطلا» (ص، ۲۷)

«و آسمان و زمین را و آنچه را که میان این دو است به باطل نیافریدیم.»

«الم تر أن الله خلق السموات و الارض بالحق» (ابراهیم، ۱۹)

«آیا در نیافته‌ای که خداوند آسمان و زمین را به حق آفریده.»

و اساسا بدینی به آفرینش و نظام هستی با هسته‌ی مرکزی اسلام، یعنی توحید سازگار نیست. این گونه نظریه‌ها یا بر ماتریالیسم و انکار مبدا حکیم مبتنی است و یا بر اساس اعتقاد به ثنویت است. اما در دینی که بر اساس توحید و اعتقاد به خدای دانا و توانا و حکیم بنا شده است، جایی برای این افکار باقی نمی‌ماند (مطهری، ۱۶۱ - ۱۶۲).

ب) وسیله و ابزار

وسيله و ابزار به هر چیزی گویند که توسط آن و یا وسائط آن بتوان به هدف دست یافت. استفاده از وسیله هیچ گاه به معنای تعلق خاطر و خلط آن با هدف نیست. آشکارترین تعریف دنیا که ابزار بودن آن را تبیین می‌کند، تشبیه آن به مزرعه است:

«الدنيا مزرعة الآخرة» (الاحصایی، ۲۶۷)

«دنیا محل کشتزار آخرت است»

هر کس در این مزرعه، تخمی بیفشاند و کشتی به عمل آورد، در سرای دیگر نتیجه‌ی آن را خواهد دید. در منطق قرآن کریم، دنیا جایگاه کاشت برای برداشت است نه کاشت برای کاشت و تنها ماهیتی مزرعه گونه دارد:

«من کان یرید حرث الآخرة نزل له فی حرثه و من کان یرید حرث الدنيا نوته منها»

و ماله فی الآخرة من نصیب» (شوری / ۲۰)

«کسی که کشت آخرت بخواهد، برای وی در کشته اش می‌افزاییم و کسی که کشت این

دنیا را بخواهد به او از آن می‌دهیم (ولی) در آخزت اورا نصیبی نیست.»
 صدر المتالیهین شیرازی، ماهیت ابزار گونه دنیا را چنین تبیین می‌کند:
 «دنیا برای انسان نه آغاز است و نه فرجام. در نگاه ما انسان قبل از دنیا، بوده و بعد از آن هم، خواهد بود. انسان پیش از دنیا در علم خدا بود، سپس به روح عقلانی در آمد، بعد روح به قالب مثالی تعلق پیدا کرد و سرانجام در دنیا لباس مادی پوشید. پس از دنیا نیز با همین قوس نزولی را که در آن فرود آمده، رو به بالا خواهد پیمود و به مقام قرب الهی می‌رسد، یا به ژرفای سهمگین جهنم - که نه می‌میرد و نه زنده می‌ماند - سقوط می‌کند»
 (صدرالدین شیرازی، ۸۱/۳-۸۰).

هدف از خلقت انسان، رسیدن به مقام قرب و بهشت بوده و دنیا فقط وسیله‌ای برای رسیدن به این مقام است و چنان که کسی آن را وسیله‌ی بینایی خود کند او را بینا می‌کند: «و من ابصر بها بصرته». (صبحی صالح، خطبه ۸۲).

(ج) هدف و غایت

هدف به چیزی گویند که در رأس امور قرار گرفته و تمام مکانیزم‌ها در راستای آن حرکت نموده و وصول به آن به معنای بی‌نیازی از وسائل و وسائط است و امور مادی هیچ‌گاه خاصیت غایت‌مندی ندارند زیرا زوال پذیری از ماهیت آن جدا نیست؛ به تعبیر قرآن کریم:
«ما عندکم یفقد و ما عندالله باق» (نحل، ۹۶)

«آنچه پیش شماست تمام می‌شود، و آنچه پیش خداست پایدار است.»

«و ما عندالله خیر و ابقی» (قصص، ۶۰)

«آنچه پیش خداست بهتر و پایدارتر است.»

دنیا چون خصوصیت دوام و جاودانگی ندارد، هدف‌انگاری آن یعنی دل بستن به امری فانی و زوال پذیر که منافات با فلسفه‌ی آفرینش انسان دارد و موجب می‌شود تا انسان فراتر از دنیا را نبیند و تمام استعدادهای خود را در راه وصول به آن مستهلک سازد و در اثر خیرگی شدید در آن، دیدگانش کور و بصیرتش از بین رود: «و من ابصر إلیها أعمته» (صبحی صالح، خطبه ۸۲) «و آن کس که چشم به دنیا دوزد کورش کند.»

قرآن کریم، هدف‌انگاران دنیا را چنین توصیف می‌کند:

«إن الذین لا یرجون لقاءنا و رضوا بالحویة الدنیا و اطمأنوا بها و الذین هم عن ءایتنا

غفلون أولئک ماواهم النار بما كانوا یکسبون» (یونس، ۸-۷)

«کسانی که امید به دیدار ما ندارند و به زندگی دنیا دل خوش کرده و بدان اطمینان یافته‌اند



وکسانی که از آیات ما غافلند، آنان به {کیفر} آنچه به دست می‌آورند، جایگاهشان آتش است.»

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر این آیه می‌فرماید:

«وقتی جهان بینی یک انسان به گونه‌ای باشد که تمام هم و غم او معطوف به زندگی مادی دنیا شود، قهراً هم فطریش در تلاش برای بقاء صرف همین زندگی دنیا می‌شود و به داشتن آن راضی شده، دلش به آرامشی کاذب، آرامش می‌یابد و دیگر به طلب آخرت بر نمی‌خیزد و منکر لقای خداوند یعنی زندگی اخروی می‌شود.» (الطباطبایی، ۱۰/۱۵-۱۴).

اوصاف دنیا در قرآن کریم

در قرآن کریم، دنیا با اوصافی بیان شده است که با شناخت این ویژگی‌ها می‌توان به ماهیت دنیا پی برد و حوزه معنایی آن‌ها را از یکدیگر تفکیک نمود. از نمونه‌های این اوصاف عبارتند از:

۱- متاع

در آیاتی از قرآن کریم، دنیا به متاع، متاع قلیل و متاع غرور توصیف شده:

«و فرحوا بالحیوة الدنیا وما الحیوة الدنیا فی الآخرة الا متاع» (رعد، ۲۶)

«و آنها {کافران} به زندگی دنیا، شاد شدند، در حالی که زندگی دنیا در برابر آخرت، متاع است.»

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«قل متاع الدنیا قلیل و الآخرة خیر لمن اتقی» (نساء، ۷۷)

«به آن‌ها بگو: بهره زندگی دنیا، ناچیز است و سرای آخرت، برای کسی که پرهیزگار باشد بهتر است.» و در آیه‌ای دیگر چنین آمده: «و ما الحیوة الدنیا الا متاع الغرور» (آل عمران، ۱۸۵ و حدید، ۲۰)

«وزندگی دنیا جز متاع غرور نیست.»

علامه طباطبایی «متاع» را به هر چیزی که خودش هدف نباشد، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف باشد معنا کرده است (طباطبایی، ۳ / ۱۰۶).

۲- عاجله

در آیاتی از قرآن، دنیا به «عاجله» و زود گذری وصف شده:

«من کان یرید العاجله عجلنا له فیها ما نشاء لمن نرید ثم جعلنا له جهنم یصلاها

مذموما مدحورا» (اسراء، ۱۸)

«هر کس خواهان {دنیای} زود گذر است، به زودی هر که را خواهیم {نصیبی} از آن می‌دهیم، انگار جهنم را که در آن خوار و رانده خواهد شد، برای او مقرر می‌داریم.» و طبرسی «عاجله» را به نعمت‌های عاجله و زود گذر معنا کرده (۳/ ۴۰۷).

علامه طباطبایی در ذیل آیه چنین آورده: منظور از «**من کان یرید العاجله**» این است که: هر کس حیات عاجله یعنی زندگی دنیا را بخواد که نفس ار آن متلذذ و قلب بدان علاقمند است و تعلق قلب به حیات عاجله و طلب آن، وقتی تعلق و دنیا طلبی است که فقط حیات عاجله را بخواد نه آخرت را و طالب دنیا کسی است که معتقد به زندگی دیگری غیر از زندگی دنیا نباشد (طباطبایی، ۱۳/ ۶۳). در آیاتی دیگر می‌فرماید:

«**ان هولاء یحبون العاجله و یدرون وراءهم یوما ثقیل**» (انسان / ۲۷)

«اینان دنیای زود گذر را دوست دارند، و روزی گرانبار را {به غفلت} پشت سر می‌افکنند.»

«**کلا بل تحبون العاجله و تذرون الآخرة**» (قیامت / ۲۰-۲۱)

«ولی نه {شما دنیای} زود گذر را دوست دارید، و آخرت را وا می‌گذارید.»

۳- حرث

در آیه ای، قرآن کریم دنیا را به به زراعت و کشت و صف نموده:

«**من کان یرید حرث الآخرة نزد له فی حرثه و من کان یرید حرث الدنیا نوته منها**

وما له فی الآخرة من نصیب» (شوری، ۲۰)

«کسی که کشت آخرت را بخواد، برای وی در کشته اش می‌افزاییم و کسی که کشت این

دنیا را بخواد به او از آن می‌دهیم {ولی} در آخرت او را نصیبی نیست.»

فخر رازی در ذیل این آیه آورده: خداوند در مورد طالب کشت آخرت فرموده «**نزد له فی**

حرثه» و در باره‌ی طالب دنیا فرموده «**نوته منها**» و «من» در اینجا تبعیضیه است و معنا

اینگونه می‌باشد که به او تمام آنچه را که طلب می‌کند نمی‌دهیم بلکه مقداری از آنچه

بخواهیم می‌دهیم و در ادامه آورده: خداوند دنیا و آخرت را «**حرث**» نامیده زیرا این دو

به دست نمی‌آید مگر با تحمل سختی‌ها و مشقت زیرا «**حرث**» به دست نمی‌آید مگر با

تحمل مشقت، بذر افشانی، آبیاری کردن، رشد کردن، درو نمودن و پاک کردن خاشاک از

آن (فخر الدین ابن ضیاء الدین عمر، ۲۷/ ۱۶۱-۱۶۲)

۴- لهُو و لعب

در آیاتی از قرآن دنیا به امری سرگرم کننده و بازیچه توصیف شده:

«وما هذه الحیوة الدنيا الا لهو ولعب» (نساء، ۷۷)

«این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست.»

«انما الحیوة الدنيا لعب و لهو» (محمد، ۳۶)

«زندگی این دنیا بازی و سرگرمی ای بیش نیست.»

«و ما الحیوة الدنيا الا لعب ولهو» (انعام، ۳۲)

«و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست.»

کلمه «لهو» به معنای هر عمل سرگرم کننده‌ای است که انسان را از کاری مهم و حیاتی و وظیفه‌ای واجب باز دارد، یکی از مصادیق لهو، زندگی مادی دنیاست، برای این که آدمی را با زرق و برق خود و آرایش فانی و فریبنده خود از زندگی باقی و دائمی باز می‌دارد و به خود مشغول و سرگرم می‌کند (الطباطبایی، ۱۶ / ۱۴۹).

«لعب» به کاری گفته می‌شود که فایده و نتیجه عقلانی دربر ندارد، مانند عموم کارهای کودکان و تشبیه دنیا به بازی از این نظر است که بازی‌ها معمولا کارهای تو خالی و بی اساس هستند که از متن زندگی حقیقی دورند، نه آن‌ها که در بازی پیروز می‌شوند، پیروزند و نه آن‌ها که شکست می‌خورند، شکست یافته‌اند زیرا پس از بازی همه چیز به جای خود باز می‌گردد. (مکارم، ۵ / ۲۰۷)

۵- زینت

در آیاتی نیز دنیا به زینت وصف شده:

«من كان يريد الحیوة الدنيا و زینتها نوف اليهم اعمالهم فیها و هم لا یبخسون»

(هود، ۱۵)

«کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را بخواهند {جزای} کارهایشان را در آنجا به طور کامل به آنان می‌دهیم.»

ذکر کلمه «زینت» بعد از «الحیوة الدنيا» برای این است که دنیا پرستی و زرق و برق را محکوم کند، نه بهره‌گیری معتدل و حساب شده از مواهب این جهان را (مکارم، ۹ / ۴۸).
 راغب «زینت» را به سه دسته تقسیم کرده: و نوع سوم را به زینت خارجی، یعنی زینت دادن و آراستن به وسیله چیزی جدا از انسان و مانند مال و مقام، معرفی کرده است (راغب، ۲۱۸-۲۱۹).

اما آنچه انسان را در حالتی غیر از حالت دیگر زینت (یعنی خارج از وجود انسان) باشد، از یک جهت در معنی «شین» زشتی است.

و در آیه‌ای دیگر نیز چنین آمده:

«وما اوتیتم من شیء فمتاع الحیوة الدنیا و زینتها» (قصص، ۶۰) «و هر آنچه به شما داده شده است، کالای زندگی دنیا و زیور آن است.»

و در آیه‌ای دیگر لهُو و لعب و زینت به همراه تفاخر و تکاثر مطرح شده است:

«اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب و لهو و زینه و تفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد» (حدید، ۲۰) «بدانید زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخر فروشی شما به یکدیگر و فزون جویی در اموال و فرزندان است.»
مفهوم دنیا از دیدگاه عالمان اخلاق

در کتب اخلاق با استشهاده و برداشت از روایات ائمه معصومین (ع) در خصوص دنیا، آن را به دو نوع کلی نکوهیده و «مذموم» و ممدوح و «ستوده» تقسیم بندی کرده‌اند.

دنیای نکوهیده

با توجه به معانی و کاربردهای دنیا می‌توان به این نکته پی برد که دنیای نکوهیده به معنای هدف و غایت پنداشتن دنیا است که اموری چون: خدا فراموشی، بی اعتقادی به معاد، پیروی از هواهای نفسانی، جهل و عدم تعقل، غفلت، خود فراموشی، تقلید و تعصب، تمایل به باطل، حرص و آزمندی، تندروی، کندروی و... از شاخص‌های اصلی آن است.

امام خمینی (ره) درباره دنیای نکوهیده چنین می‌فرماید:

«دنیای نکوهیده عبارت است از تعلق قلب و محبت دنیا و هر چه دلبستگی به آن بیشتر باشد، حجاب بین انسان و دار کرامت او و پرده‌ی ما بین قلب و حق بیشتر و غلیظ تر شود و آنچه در بعضی احادیث شریفه است که از برای خدا هفتاد هزار حجاب است از نور و ظلمت، حجاب‌های ظلمانی تواند همین تعلقات قلبیه باشد به دنیا و هر قدر تعلقات بیشتر باشد حجاب‌ها زیادتر است و هر چه تعلقات شدیدتر باشد، حجاب غلیظ تر و خرق آن مشکل تر است.» (امام خمینی، ۱۲۱-۱۲۲).

در تبلیغات و مواظب اسلامی، معمولاً بیش از آن که انسان به سوی دنیا سوق داده شود و ارزش مثبت آن بیان گردد، از نکوهش دنیا یاد شده و این بدان سبب است که آدمی بیشتر با ماده و محسوسات، گرایش و میل طبیعی به دنیا دارد اما آخرت که در افق برتری از قوای ادراکی او قرار دارد، چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد (مطهری، ۱۶۰) و آنچه رادر فرهنگ قرآن و روایات به عنوان نکوهش و بی ارزشی دنیا آمده می‌توان به دو نوع تقسیم کرد:

الف) بی ارزشی نسبی



مراد از این نوع بی ارزشی، این است که وقتی یک امر ارزشمند از دنیا را با یک امر ارزشمند دیگر از دنیا مقایسه کنیم گاه، یکی نسبت به دیگری از ارزش کمتری برخوردار است، به گونه‌ای که اگر انسان را میان آن دو مخیر کنند می‌گویند اولی نسبت به دومی با ارزش تر است (علی اکبریان، ۶۰) و فراتر از این امور، اگر ارزش دنیا را با ارزش آخرت مقایسه کنند، می‌گویند دنیا در برابر آخرت؛ بی ارزش است.

بیشتر آیات قرآن کریم در صدد مقایسه دنیا با آخرت هستند، در برخی از آیات که دنیا نکوهش شده، بلافاصله به آخرت اشاره می‌نماید و یاد آور می‌شود که زندگی حقیقی در آنجاست، از جمله:

«و ما هذه الحیوة الدنیا الالهو و لعب وان الدار الاخرة لهی الحیوان لو كانوا یعلمون»
(عنکبوت، ۶۴)

«این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا (در) سرای آخرت است، ای کاش می‌دانستند.»

«و ما أوتیتم من شیء فتمتع الحیوة الدنیا و زینتها و ما عندالله خیر و أبقى أفلا تعقلون» (قصص، ۶۰)

«... و فرحوا بالحیوة الدنیا و ما الحیوة الدنیا فی الاخرة الا تمتع» (رعد، ۲۶)

«هر آنچه به شما داده شده است، کالای زندگی دنیا و زیور آن است، {ولی} آنچه پیش خداست بهتر و پایدارتر است، مگر نمی‌اندیشید.»

«و ابتغ فیهماء اناک الله الدار الاخرة و لا تنس نصیبک من الدنیا...» (قصص، ۷۷)

«و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن.»

اکثر روایات معصومین (ع) در باب نکوهش دنیا در قیاس با آخرت، سنجیده شده؛ از آن جمله، امام علی (ع)، رابطه‌ی دنیا و آخرت را مانند دو دشمن ناهمگون و دو راه مختلف می‌داند که دوستی به یکی موجب دشمنی با دیگری خواهد شد و یا مانند مشرق و مغرب است که نزدیکی به یکی موجب دوری از دیگری می‌شود و یا مانند دو زن هستند در نکاح یک شوهر که هیچ‌گاه با یکدیگر سر سازش ندارند: «ان الدنیا و الاخرة عدوانان متفاوتان و سبیلان مختلفان فمن احب الدنیا و تولاهما أبغض الآخرة و عاذاها و هما بمنزله المشرق و المغرب و ماش بینهما كلما قرب من واحد بعد الاخر و هما بعد ضرتان» (صبحی صالح، حکمت ۱۰۳)

«دنیا و آخرت دو دشمن نا همگون‌اند و دو راه گونه‌گون. هر که دنیا را دوست بدارد، آخرت

را دشمن داشته، دنیا و آخرت به مثابه مشرق و مغرب‌اند و کسی که میان آن دو سیر می‌کند، هر گاه به یکی نزدیک شود از دیگری دور گردد و یا چون دو زن هستند در نکاح یک شوی.»

و این که در روایات دنیا به بازار زیان، قربانگاه خردها؛ آرزوی نگوینختان؛ کشتزار شروبدی؛ خوارکننده‌ی انسان؛ جایگاه فریب؛ زهر کشنده؛ مضحکه‌ی گریه انگیز؛ و دوستی آن منشا هر گناه (آمدی، ۶۴ / ۳۶۵) و... توصیف شده قطعا در مقایسه با آخرت بوده است.

مطهری، جمع بین دنیا و آخرت را چنین تحلیل می‌کند:

«این که در قرآن کریم آمده است: «و ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه» (احزاب / ۴) منظور آیه این نیست که یا باید مردم به خدا علاقه داشته باشند و یا به غیر خدا، از امور غیر دنیوی چون زن و فرزند و مال و غیره، مقصود این است که مردم باید یک هدف اعلی و منتهای آرزو داشته باشند. دو چیزی که با هم جمع نمی‌شوند این است که منتهای آرزو خدا باشد یا مادیات دنیوی و گرنه صرف علاقه به چند چیز در آن واحد خیلی واضح است که میسر می‌باشد» (مطهری، بیست گفتار، ۱۷۷)

ب) بی‌ارزشی ذاتی

مراد از این نوع بی‌ارزشی این است که وقتی یک امر دنیوی نسبت به انسان و خواسته‌ها و گرایش‌ها و کمالات او سنجیده شود و ملاحظه شود که این امور دنیوی با کمالات او منافات دارد و او را از رسیدن به هدف از خلقتش باز می‌دارد، قطعا آن امور دنیوی برای انسان دارای ارزش منفی خواهد بود و شر محسوب می‌شود (علی اکبریان، ۶۱). این نوع از بی‌ارزشی، تنها در افعال اختیاری انسان وجود دارد چرا که در فرهنگ وحی، جهان خلقت، سراسر خیر است و هیچ شیء و پدیده‌ی شری که با کمال انسان منافات داشته باشد، وجود ندارد. هر شری از افعال اختیاری انسان بر می‌خیزد؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

«الذی احسن کل شیء خلقه» (سجده، ۷)

«همان کسی که هر چیزی را که آفریده است نیکو آفریده.»

«إن أحسنتم أحسنتم لأنفسکم و إن أسأتم فلها» (اسراء، ۷)

«اگر نیکی کنید به خود کرده اید و اگر بدی کنید به خود { بد نموده اید }»

«ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس» (روم، ۴۱)

«به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است.»
به عبارت دیگر، دنیای نكوهیده را نباید در جهان طبیعت جستجو کرد، بلکه آن را در افعال



و صفات اختیاری انسان می‌توان جست و اطلاق ذم بر دنیا، نادرست و غیر دینی است و بالطبع انتساب پلیدی و زشتی و کژی و بیهودگی به جهان، نوعی کفر به خداوند و خلقت او به شمار می‌رود. بنابر این تمام نکوهش‌هایی که از دنیا شده و همه‌ی تکذیب‌هایی که درباره‌ی آن وارد شده و این‌که به ترک آن و پشت کردن بدان فرمان داده شده، در واقع تکذیب و طرد جهان پست و زشت نفس گمراه آدمی است، زیرا جهان و مظاهر هستی، جز نشانه‌ای از رحمت و وسع و هدایت پروردگار نیست (دلشاد تهرانی، ۱۳۰). به همین دلیل خداوند به پیامبر اکرم (ص) دستور می‌دهد که از کسانی که از یادش روی گردانند و با اختیار به دنیا طلبی پردازند، اعراض کند:

«فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَىٰ» (نجم، ۲۹-۳۰).

«پس از هر کسی که از یاد ما روی برتافته، و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است، روی برتاب. این منتهای دانش آنان است. پروردگار تو خود به حال کسی که از راه او منحرف شده دانانتر، و او به کسی که راه یافته {نیز} آگاه‌تر است.»

امام علی (ع) در خصوص این‌که، دنیا فریب نمی‌دهد بلکه انسان خودش عامل فریب و سبب فاعلی آن است چنین می‌فرماید:

«و حقا أقول ما الدنيا غرتك و لكن بها اغتررت و لقد كاشفت العظمت و اذنتك على سواء و لهي بما تعدك من نزول البلاء بجمسك و النقص في قوتك اصدق و أوفى من أن تكذبك أو تغرك» (صبحی صالح خطبه ۲۲۳)

«به راستی دنیا تو را نفریفته، تو خود فریفته آن شده‌ای. دنیا هر چیز را که از آن عبرتی توان گرفتی، برایت آشکار ساخت و از فواید عدالت آگاهت نمود. دنیا که تو را به درد مند شدن تن و نقصان نیرو وعده می‌دهد، صادق‌تر و وفادارتر از آن است که به تو دروغ گوید یا فریبت دهد.»

دنیا هر دو روی سکه را نشان می‌دهد و علاقه دارد انسان فریب نخورد و به راه بیاید، دنیا را خدا آفرید و نیکو آفرید، بخشی از آن که نیک است یعنی مربوط به نفس انسان نیست، به خدا مرتبط است. برای شناخت دنیا باید صفحه‌ی دیگرش را ورق زده و کسی که صفحه‌ی دیگرش را ورق زده و لحظه‌ای به گورستان‌ها نرفته، دلیلی بر این نیست که دنیا چهره‌ی دیگرش را نشان نداده است. برای کسی که دنیا را وطن قرار ندهد و در آن آرام نگیرد، جای خوبی است و چون خود را عابر دانسته و دنیا را مسیر و معبر، پویا می‌شود و اگر پنداشت

دنیا وطن است، ایستا خواهد شد (جوادی آملی، ۱۴۳-۱۴۴).
به تعبیر مطهری: «امام علی (ع) مکرر به این مطلب اشاره می‌کند که دنیا خوب جایی است، اما برای کسی که بداند این جا قرارگاه دائمی نیست، گذرگاه و منزلگاه اوست» (مطهری، سیری در نهج البلاغه، ۲۶۳).

«و لنعم دار من لم یرض بها دارا» (صبحی صالح، خطبه ۲۲۳)
«دنیا چه خوب خانه ایست برای آن کس که آن را جاودانه نپندارد.»
«انما الدنیا دار مجاز و الاخرة دار قرار فخذوا من ممرکم لمقرکم» (همان خطبه ۲۰۳)
«دنیا سرای گذر و آخرت سرای جاویدان است. پس از گذر گاه خویش، برای سر منزل جاودانه توشه بگیریید.»

دنیای ستوده

دنیای ستوده، به معنای سیر و حرکت کردن در مسیر اعتدال، دنیا را مزرعه‌ی آخرت دیدن و چون مسافران در آن زیستن و از افراط و تفریط پرهیز نمودن و نه مانند چهار پایان در بند خشم و شهوت بودن و نه مانند راهبان رها از دنیا بودن است که اموری چون: خداپاوری، فرجام اندیشی، عمل گرایی، خودشناسی، تفکر و تعقل، زهد و قناعت، توکل، حق گرایی، جود و سخا، عدالت، صبر و شکیبایی، رضا و تسلیم و... از شاخص‌های اصلی آن است.

قرآن کریم، دنیای ستوده را چنین ترسیم می‌کند:

«و ابتغ فیما آتاک الله الدار الآخرة و لاتنس نصیبک من الدنیا و أحسن کما أحسن الله إلیک و لاتبغ الفساد فی الأرض إن الله لایحب المفسدین» (قصص، ۷۷)
«و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و همچنان که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فساد گران را دوست ندارد.»

این آیه، اشاره به این دارد که مال و ثروت بر خلاف پندار بعضی از کج اندیشان چیز بدی نیست، مهم آن است که در چه مسیری به کار می‌افتد و اگر به وسیله‌ی آن «ابتغاء دار آخرت» شود چه چیزی از آن بهتر است؟ اگر وسیله‌ای برای غرور و ظلم و تجاوز و هوسرانی گردد، چه چیزی از آن بدتر؟ (مکارم، ۱۶/۱۵۵).

و در آیات دیگر در خصوص دنیا این مفهوم تاکید شده، گاهی از مواهب مادی به «خیر» تعبیر شده: «و ما تنفقوا من خیر فلانفسکم» (بقره، ۲۷۲) و هر مالی را که انفاق کنید،

به سوی خود شماست» و گاه آن را «فضل» نامیده: «و من رحمته جعل لكم الليل والنهار لتسكنوا فيه و لتبتغوا من فضله» (قصص، ۷۳) «و از رحمتش برایتان شب و روز را قرار داد تا در این یک بیارامید و در آن یک از فزون بخشی او {روزی خود} بجوید. و در آیه‌ای دیگر به کسب مواهب دنیوی امر شده:

«هو الذی جعل لكم الارض ذلولا فامشوا فی مناکیبها و کلوا من رزقه» (ملک، ۱۵)
 «اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید، پس در پست و بلندی‌های آن حرکت کنید و از روزی {خدا} بخورید.»
 و در آیه‌ای دیگر در خطاب به کسانی که نعمت‌های حلال و روزی‌های پاکیزه را بر خود حرام کرده‌اند چنین می‌فرماید:

«قل من حرم زینه الله التی اخرج لعباده و الطیبات من الرزق» (اعراف، ۳۲)
 {ای پیامبر! بگو: «زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و {نیز} روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟»

بنابراین، درک صحیح دنیا این است که انسان با عالم رابطه‌ای اخروی برقرار سازد و زندگی دنیوی را اصیل نداند و آن را ابزاری تلقی کند نه غایی. چنان که امام سجاد (ع) رابطه انسان با دنیا را دو گونه می‌داند، یا رساننده به آخرت و یا کاملاً نافرجام و نفرین شده:
 «الدنيا دنیاوان دنیا بلاغ و دنیا ملعونه» (کلینی، ۲ / ۳۱۶)
 «دنیا دو دنیا است: دنیای رساننده و دنیای نفرین شده»

دنیایی که مدل آن «دار الحركه الی دار القرار» باشد و نردبان رسیدن به آخرت؛ به تعبیر امام علی (ع)، مسجد دوستان خدا، مصلاهی ملائکه‌ی پروردگار، محل نزول وحی و بازارگاه اولیای الهی است که از طریق آن می‌توان به رحمت دست یافت و کسب بهشت کرد:

«إن الدنيا دار صدق لمن صدقها و دار عافیه لمن فهم عنها و دار غنی لمن تزود منها و دار موعظه لمن اتعظ بها مسجد احباء الله و مصلی ملائکه الله و مهبط وحی الله و متجر اولیاء الله اکتسبوا فیها الرحمه و ربحوا فیها الجنه» (صبحی صالح، حکمت ۱۳۱)

«دنیا برای کسی که گفتارش را راست انگارد سرای راستی است و برای کسی که حقیقت آن را دریابد، سزای عافیت است و برای کسی که از آن برای آخرتش توشه بگیرد، سرای توانگری است و برای کسی که از آن پند پذیرد، سرای اندرز و موعظه است. دنیا نمازگاه دوستان خداست، مصلاهی ملائکه خداست. محل نزول وحی خداست، بازارگاه دوستان خداست که در آن کسب رحمت کنند و سودشان بهشت است.»

همچنین از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: «لیس منا من ترک دنیا لآخرته و لا آخره لدنیه» (حرعاملی، ۱۲ / ۴۹)

«کسی که دنیا را برای آخرت و یا آخرت را برای دنیا ترک کند از ما نیست.»

ارتباط انسان با دنیا

قرآن کریم، بینش ویژه‌ای در مورد دنیا دارد که طبق این بینش، راز دنیا در دو کلمه نهفته است: الم و امل؛ دنیا سرای الم و امل است. سرای الم است، از آن رو که آن را با بلا در پیچیده‌اند، «دار بالبلاء محفوفه» (صبحی صالح خطبه ۲۲۶) «دنیا گذرگاهی است که آن را در مسیر آتشفشان و صخره‌های لرزان کشیده‌اند؛ هیچ کس از مؤمن و مشرک، بی بلا و دشواری، از این گذرگاه نخواهد گذشت. اما بلای مؤمن، از آن روست که او این گذرگاه صعب را برای رفتن به سوی خدا برگزیده (مفر) و بلای مشرک، از آن روست که او در این مسیر خانه گرفته است.» (همان خطبه ۲۰۳).

به همین سبب، بلا برای مؤمن، امتحان است و او در این امتحان، صبر را بر خویش روا می‌بیند؛ زیرا صبر بر دنیا این است که انسان، فریفته و دل‌باخته‌ی مال و منال دیگران نشود و بداند که آنچه در اختیار دیگران است، ظاهرش نعمت است و باطنش نعمت، ظاهرش کامیابی است و باطنش دردسر (قرضاوی، ۸۰) چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

«و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابین» (بقره، ۱۵۵)

«و قطعاً شما را به چیزی از قبیل؛ ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم: و مزده ده شکیبان را»

اما بلا برای مشرک، ادب است و با فرع همراه، چرا که در جایی خفتن اختیار کرد که باید از آن می‌گریخت.

«إن البلاء للظالم ادب و للمؤمن امتحان و للأنبیاء درجه و للأولیاء کرامه» (علامه مجلسی، ۲۳۵/۶۴)

نیمه‌ی دیگر رخسار دنیا، امل است و این از آن روست که خداوند دنیا را زینت‌کده‌ای ساخته و زمین، کانون حیات دنیا را با زینت‌ها آراسته است. چنان که می‌فرماید:

«إنا جعلنا ما علی الارض زینة لها لنبلوهم أیهم أحسن عملاً» (کهف / ۷)

«در حقیقت، ما آنچه را که بر زمین است، زیوری برای آن قرار دادیم، تا آن را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکو کارترند.»



به علاوه، شیطان نیز در این زینتکده اجازه دارد به تزئین بپردازد، اما ویژگی تزئین شیطان آن است که زشت‌ها را نیز زیبا جلوه می‌دهد. چنان که می‌فرماید:

«قال رب بما اغويتني لأزينن لهم في الارض...» (حجر / ۳۹)

«گفت: پروردگارا، به سبب آن که مرا گمراه ساختی، من {هم گناهانشان را} در زمین برایشان می‌آرایم.»

زینت‌گری دنیا به این معناست که دل‌ها شیفته دنیا شده و متوجه آن و غافل از ماورای آن شود و از ذکر خدا بی‌خبر گردد، این قسم جلوه‌گری تصرفی است شیطانی و نکوهیده که خدای سبحان آن را به شیطان نسبت داده و بندگان خود را از آن بر حذر داشته و فرموده است:

«... و زين لهم الشيطان ما كانوا يعملون» (انعام، ۴۳)

«و شیطان آنچه را انجام می‌دادند برایشان آراسته است.»

حیات دنیا با چنین خصیصه‌ای، امیدها و آرزوها را بر می‌انگیزد و در وسعت این آرزوهای بلند و طولانی، چهره‌ای فربه از خویش نمایان می‌سازد؛ قرآن می‌آموزد که دنیا، خود چهره‌ای نزار و استخوانی دارد: «قل متاع الدنيا قليل» (نساء، ۷۷)، «فما متاع الدنيا في الآخره الا قليل» (توبه، ۳۸)، «و ما الحيوه الدنيا الا متاع الغرور» (آل عمران، ۱۸۵) و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست. - و آنچه آن را فربه می‌سازد، آرزوهای آدمی است و این آرزوها، انسان را غرق در خیالات و توهمات باطل می‌سازد و دیده‌ی روشن بین انسان را کور می‌سازد به گونه‌ای که تفاوت فربه‌ی و آماس را در نیابد؛ به تعبیر امام علی (ع) :

«الاماني تعمي عيون البصائر» (آمدی، ۵۲/۲)

«آرزوها و خیالات چشم بینایان را کور می‌کند.»

و از این رو اگر فصل تزئین به پایان برسد، دنیا به خزان خواهد نشست و آن چنان که هست، به نظر خواهد آمد و چون ماری خوش خط و خال که دست کشیدن بر آن، نرم می‌نماید ولی درون آن زهری کشنده است، ماهیت خود را نمایان خواهد ساخت:

«مثل الدنيا كمثل الحيه لين مسها و السم النافع في جوفها يهوى إليها الغر الجاهل و يحذرها ذواللب العاقل» (صبحی صالح، حکمت ۱۱۹)

«دنیای {حرام} چون مار سمی است، پوست آن نرم ولی سم کشنده در درون دارد، نادان فریب خورده به آن می‌گراید و هوشمند عاقل از آن دوری گزیند.»

این چهره‌ی خزان زده‌ی دنیا در آیات ۲۴ سوره یونس و ۴۵ سوره کهف و ۲۰ سوره حدید با

بیانی رسا به تمثیل درآمده است.

قرآن با عرضه‌ی چنین بینشی در مورد دنیا، زمینه‌ی دگرگونی و تحول را در انسان فراهم می‌سازد. دنیا را سرای الم دیدن، آمادگی برای پذیرش دشواری‌ها و رنج‌ها را در انسان به وجود می‌آورد و صبر در شدايد و قدرت رویارویی با مشکلات را میسر می‌گرداند. همچنین، دریافتن این که دنیا سرای امل است و دانستن این که کالای آن در زورق آرزو پیچیده شده است، انسان را در معامله هشیار می‌کند تا برای آن بهای گزاف نپردازد و جلوه‌های آن را به جد نگیرد و امل را واگذارد و به گرفتن «نصیب» خویش کفایت کند و خویش را ارزان نفروشد.

«لبئس المتجر أن تری الدنيا لنفسک ثمناً» (همان، خطبه ۳۲)

«بد معامله‌ای است اگر فکر کنی که دنیا بهای توست.»

قرآن می‌آموزد که دنیا آرایش شده است، خاصه که آرایش‌گاه زیبایی نیست، بلکه پوششی است بر زشتی و آن هم پوششی بی‌دوام و بی‌درنگ و این سزاوار آن نیست که مورد امل قرار گیرد. آن چه لایق دل بستگی است، چیزی است که هم «بقا» داشته باشد و هم «صلاح» انسان را بار آورد (باقیات صالحات). این است که قرآن در دنیا به «عمل» فرا می‌خواند؛ عمل صالحی که آثار آن پایدار و باقی است و گوشزد می‌کند که چنین عملی سزاوار آن است که «امل» انسان واقع شود (باقری، ۱۱۲-۱۱۳)

«المال و البنون زينة الحياة الدنيا و الباقیات الصالحات خیر عند ربک ثواباً و خیر اَمْلاً» (کهف/۴۶)

«مال و پسران زیور زندگی دنیايند و نیکی‌های ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر امید {نیز} بهتر است.» چنان که امام علی (ع) در تأکید این نکته چنین می‌فرماید:

«و إن الیوم عمل و لاحساب و غداً حساب و لا عمل» (صبحی صالح، خطبه ۴۲)

«امروز هنگام عمل است نه حسابرسی و فردا روز حسابرسی است نه عمل»

این نوع بینش سبب می‌شود تا انسان به بهانه‌ی فانی بودن دنیا، بیکار ننشیند، بلکه مرگ را مسلم و آمده انگارد و بدون عمل، آن هم، عمل صالح انتظار آن را نکشد:

«فحققوا علیکم نزوله و لا تنتظروا قدومه» (همان، خطبه ۱۹۶)

«پس {فرا رسیدن مرگ} را حتمی بشمارید و {بدون عمل} در انتظارش به سر میرید.» با توجه به این معناست که دنیا مزرعه‌ی آخرت شمرده می‌شود و اگر کسی در آن بذر عمل صالح بیاشد، ثمره‌ای پایدار و باقی خواهد داشت.



نتیجه

- ۱- در این نوشتار، کوشش بر این بود که معنی‌شناسی و حوزه معنایی واژه «دنیا» تحلیل شود. لذا واژه‌های کلیدی و مهم پیرامون این مفهوم کانونی مورد موشکافی قرار گرفته شد و حوزه معنایی «دنیا» از همدیگر بازشناخته شد.
- ۲- واژه «دنیا» عنصری فراگیر برای تمام ارزش‌های اخلاقی است که در قرآن شناخته شده است و نوع انتخاب انسان‌ها به جهت‌دهی آن در مسیر کمال یا انحطاط کمک می‌کند که حاصل آن یا ستایش است یا نکوهش.

منابع و مراجع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه، ضبط و تنظیم صبحی صالح، قم، مرکز البحوث الاسلامیه، ۱۳۹۵ هـ ق،
- ۳- آمدی، عبدالواحد بن محمد، *عمرر الحکم و درر الکلم*، تکمیل مهدی انصاری، انتشارات دلیل ما، قم، چاپ اول.
- ۴- الاحسائی، محمدبن علی بن ابراهیم، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه*، تحقیق مجتبی عراقی، مطبعة سيد الشهداء، قم ۱۴۰۳ هـ ق.
- ۵- ابن فارس، احمد بن زکریا، *معجم مقاییس اللغة*، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ج ۲، بی تا.
- ۶- باقری، خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، انتشارات مدرسه، تهران، چاپ پانزدهم، بی تا.
- ۷- جزری، ابن اثیر، *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*، تحقیق ظاهر احمد الزاوی، موسسه اسماعیلیان، قم، بی تا.
- ۸- جوادی آملی، عبدالله، *حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه*، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ سوم، بی تا.
- ۹- دلشاد تهرانی، مصطفی، *دولت آفتاب اندیشه‌ی سیاسی و سیره‌ی حکومتی حضرت علی (ع)*، خانه اندیشه‌ی جوان، تهران، چاپ اول، بی تا.
- ۱۰- راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق و ضبط محمد سید کیلانی، دارالمعرفه، بیروت.
- ۱۱- شیرازی، صدرالدین، *تفسیر القرآن الکریم*، محمدبن ابراهیم، انتشارات بیدار، قم، ج ۳، ۱۳۶۴ هـ ش.
- ۱۲- الطباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، منشورات موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، الطبعة الخامسة، بی تا،
- ۱۳- الطبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، منشورات مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم ۱۴۰۳ هـ ق.
- ۱۴- علی اکبریان، حسن علی، *ارزش دنیا*، کانون اندیشه جوان، تهران، چاپ اول، بی تا.
- ۱۵- فخر الدین ابن ضیاء الدین، عمر، *التفسیر الکبیر*، الامام محمد رازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲۷، الطبعة الثالثة،

- ۱۶- فیض کاشانی، مولی محسن، *تفسیر الصافی*، موسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت، ج ۲، ۱۴۰۲ هـ ق.
- ۱۷- قرضاوی، یوسف، *سیمای صابران در قرآن*، ترجمه و تحقیق محمد علی لسانی فشارکی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات حوزه‌ی علمیه، قم، چاپ دوم، بی تا.
- ۱۸- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *اصول کافی*، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، انتشارات اسوه، تهران، چاپ سوم، بی تا.
- ۱۹- محمدبن الحسن (شیخ طوسی)، *ابوجعفر، التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، مکتبه الامین، نجف، بی تا.
- ۲۰- محمدبن الحسن، *الحرالعاملی، وسائل الشیعه*، تحقیق عبدالرحیم الربانی الشیرازی، داراحیاء التراث العربی، بیروت: الطبعة الخامسة، بی تا.
- ۲۱- مطهری، مرتضی، *بیست گفتار*، انتشارات صدرا، تهران، چاپ پانزدهم، بی تا.
- ۲۲- مطهری، مرتضی، *سیری در نهج البلاغه*، انتشارات صدرا، چاپ پانزدهم، تهران، بی تا.
- ۲۳- معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ شانزدهم، ج ۲، بی تا.
- ۲۴- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از همکاران، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ شانزدهم، ج ۱۶، بی تا.
- ۲۵- موسوی خمینی، روح الله، *چهل حدیث*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ ششم، بی تا.